

نگاه

هادی اسماعیلی

وام‌های بزرگ، سرمایه‌گذاری کوچک

رشد ۷۴درصدی تسهیلات پرداختی شبکه بانکی در بهار ۱۴۰۵ بر شرایطی ثبت شده که بخش عمده این منابع همچنان به سرمایه در گردش اختصاص یافته‌است. سهم ۸۴/۹درصدی سرمایه در گردش از کل تسهیلات پرداختی به بنگاه‌ها و اختصاص بیش از ۹۱درصد تسهیلات صنعت و معدن به همین بخش، نکته‌ای فراتر از حجم اعتبارات را مطرح می‌کند مبنی بر اینکه آیا ساختار تأمین مالی اقتصاد به سمت انباشت سرمایه و توسعه ظرفیت‌های تولیدی حرکت کرده‌است یا همچنان در مدار تأمین هزینه‌های جاری بنگاه‌ها قرار دارد؟

این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که در ادبیات توسعه، میزان اعتبارات پرداختی به تنهایی معیار مناسبی برای ارزیابی کیفیت تأمین مالی محسوب نمی‌شود. آنچه جایگاه تعیین‌کننده دارد، نحوه تخصیص منابع و اثری است که این منابع بر ظرفیت تولید، بهره‌وری و سرمایه‌گذاری بر جای می‌گذارند. به همین دلیل، اقتصاددانان میان تأمین مالی عملیاتی و تأمین مالی توسعه‌ای تفاوت قائل می‌شوند؛ اولی به تداوم فعالیت بنگاه‌ها کمک می‌کند و دومی زمینه گسترش ظرفیت‌های تولیدی را فراهم می‌سازد.

بررسی ترکیب تسهیلات پرداختی شبکه بانکی در سه ماه نخست امسال، وزن بالای تأمین مالی عملیاتی را آشکار می‌کند. هنگامی که نزدیک به ۸۵درصد تسهیلات بنگاه‌ها صرف سرمایه در گردش می‌شود، بخش بزرگی از منابع بانکی برای خرید مواد اولیه، پرداخت دستمزد، تأمین هزینه‌های جاری و حفظ چرخه تولید اختصاص می‌یابد. این نوع تأمین مالی برای ادامه فعالیت واحدهای اقتصادی ضروری است، اما زمانی که به‌الگوی غالب تبدیل شود، این‌ها بهایم‌ها و درباره وضعیت سرمایه‌گذاری در اقتصاد مطرح خواهد شد. در بخش صنعت و معدن نیز شرایط تفاوت چندانی ندارد. به طوری که از مجموع ۵۵۷هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداختی به این بخش، بیش از ۷۷۸هزار میلیارد تومان در قالب سرمایه در گردش تخصیص یافته و بیانگر آن است که اولویت اصلی در یافت‌کنندگان تسهیلات، تأمین نیازهای جاری تولید بوده‌است. لذا در چنین ساختاری، منابع کمتری برای نوسازی خطوط تولید، خرید ماشین‌آلات جدید، توسعه فناوری و ایجاد ظرفیت‌های تازه باقی می‌ماند.

این وضعیت را باید در بستر تحولات اقتصاد کلان نیز تحلیل کرد. چراکه افزایش هزینه‌های تولید، رشد قیمت مواد اولیه، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، انرژی و دستمزد، نیاز بنگاه‌ها به نقدینگی را به شکل مستمر افزایش داده‌است. در نتیجه، بخشی از رشد اعتبارات بانکی بیش از آنکه منعکس‌کننده توسعه فعالیت‌های اقتصادی باشد به افزایش هزینه حفظ سطح موجود تولید ارتباط پیدا می‌کند. به بیان دیگر، بنگاه‌ها برای ادامه همین میزان فعالیت گذشته به منابع مالی بیشتری نیاز پیدا کر ده‌اند.



از همین منظر، رشد ۷۴درصدی تسهیلات پرداختی لزوماً معادل رشد ظرفیت اقتصادی نیست. چراکه در اقتصادهای مبتنی بر تورم‌های مزمن، ارقام اسمی با سرعتی بیش از متغیرهای واقعی افزایش پیدا می‌کنند. بنابراین، تحلیل عملکرد نظام تأمین مالی بدون توجه به ترکیب اعتبارات و مقصد نهایی منابع، می‌تواند وضعیتی ناقص از واقعیت اقتصادی ارائه دهد. افزایش حجم تسهیلات وقتی معنادار است که آثار آن در شاخص‌هایی مانند تشکیل سرمایه ثابت، افزایش بهره‌وری، توسعه تولید و ارتقای توان رقابت‌پذیری بنگاه‌ها مشاهده شود. یکی دیگر از ابعاد مهم این آمار، وابستگی گسترده بنگاه‌های اقتصادی به منابع بانکی است. بیش از ۷۶درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب‌وکار اختصاص یافته‌است و این سهم بالا، جایگاه بانک‌ها در ساختار تأمین مالی اقتصاد را آشکار می‌کند. این در حالی است در بسیاری از اقتصادهای توسعه‌یافته، تأمین مالی بنگاه‌ها از سرمایه متنوعی همچون بازار سرمایه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، انتشار اوراق بدهی و ابزارهای نوین مالی انجام می‌شود، اما در کشورمان همچنان بر اصلی تأمین مالی بر دوش شبکه بانکی قرار دارد و همین مسئله فشار مضاعفی بر منابع بانکی وارد کرده‌است. وابستگی شدید بنگاه‌ها به اعتبارات بانکی، پیامدهای بلندمدتی نیز به همراه دارد. چه آنکه وقتی بخش عمده تأمین مالی از منابع کوتاه‌مدت بانکی انجام شود، امکان برنامهریزی برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت کاهش پیدا می‌کند. پروژه‌های توسعه‌ای معمولاً به منابعی با دوره بازپرداخت طولانی نیاز دارند در حالی که تسهیلات سرمایه در گردش ماهیتی متفاوت دارند و عمدتاً برای رفع نیازهای فوری بنگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. هم‌زمان، سهم تسهیلات خرد از کل اعتبارات پرداختی نیز محل تأمل است. به طوری که طبق آمارهای منتشر شده، حدود ۱/۹درصد کل تسهیلات در قالب وام‌های خرد و کارت‌های اعتباری پرداخت شده‌است. این نسبت در شرایطی ثبت شده‌است که خانوارها با افزایش هزینه‌های زندگی و کاهش قدرت خرید مواجه هستند. وضعیت معیشتی خانوارها نیز به عنوان یکی از اجزای اصلی تقاضای مؤثر در اقتصاد، نیازمند توجه بیشتری است. نکته دیگری که دل‌ان را می‌آزماید استخراج می‌شود، رابطه میان ساختار اعتبارات و کیفیت رشد اقتصادی است. طبعاً رشد پایدار زمانی شکل می‌گیرد که سرمایه‌گذاری جدید با نرخ مناسبی انجام شود و موجودی سرمایه کشور افزایش یابد. لکن اگر منابع مالی عمدتاً صرف حفظ فعالیت‌های موجود شوند، ظرفیت رشد اقتصاد در بلندمدت محدود خواهد شد. در چنین وضعیتی، تولیدکنندگان برای ادامه فعالیت به اعتبارات بیشتری نیاز خواهند داشت، بدون آنکه به همان نسبت ظرفیت جدیدی در اقتصاد ایجاد شود. به همین دلیل، ارزیابی عملکرد شبکه بانکی نباید صرفاً بر مبنای حجم تسهیلات پرداختی صورت گیرد. اهمیت اصلی در نحوه توزیع منابع، سهم بخش‌های مولد از اعتبارات توسعه‌ای، میزان سرمایه‌گذاری جدید و تأثیر تسهیلات بر افزایش بهره‌وری نهفته‌است. رشد اعتبارات زمانی به یک شاخص مثبت اقتصادی تبدیل می‌شود که بتواند فراتر از تأمین هزینه‌های جاری، به ارتقای توان تولیدی اقتصاد منجر شود. فرسودگی سرمایه، کاهش نرخ تشکیل سرمایه ثابت و محدودیت منابع برای نوسازی تجهیزات، مسائلی هستند که صرفاً با افزایش حجم تسهیلات برطرف نمی‌شوند. لذا آنچه اهمیت دارد، تغییر جهت بخشی از منابع مالی از تأمین نیازهای روزمره به سمت ایجاد ظرفیت‌های جدید اقتصادی است. از این منظر، آمار تسهیلات بهار ۱۴۰۵ صرفاً گزارشی درباره رشد اعتبارات بانکی نیست و ابهامات بنیادین پیش‌روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد که آیا نظام تأمین مالی کشور توانسته میان نیازهای کوتاه‌مدت بنگاه‌ها و اامات توسعه بلندمدت اقتصاد تعادل برقرار کند یا بخش عمده منابع همچنان صرف حفظ وضع موجود می‌شود؟

گزارش یک

زینعب‌زریون

افزایش مصرف برق در روزهای گرم تابستان و فشار وارد شده بر شبکه انرژی، بار دیگر ضرورت اصلاح الگوی مصرف و حرکت به سمت مدیریت هوشمند را پررنگ کرده‌است. در همین مسیر، سامانه ملی پایش، ارزیابی و بهبود عملکرد دستگاه‌های اجرایی در مدیریت مصرف انرژی پس از ۱۶سال تأخیر در آستانه رونمایی قرار گرفته و قرار است وضعیت مصرف ساختارها و مجموعه‌های دولتی را با استفاده از داده‌های دقیق بررسی و زمینه تصمیم‌گیری برای کاهش مصرف را فراهم کند. ■ ■ ■

ایده ایجاد سامانه پایش مصرف انرژی به الزامات قانونی حوزه مدیریت انرژی بازمی‌گردد که بر اساس آن، دستگاه‌های اجرایی باید میزان مصرف خود را کنترل و برای کاهش هدررفت انرژی برنامهریزی کنند. با وجود گذشت ۱۶سال از تصویب این چارچوب، نبود زیرساخت‌های فنی و اطلاعاتی لازم، اجرای کامل آن را به تأخیر انداخته. اکنون با توسعه فناوری‌های ارتباطی و فرام شدن امکان جمع‌آوری داده‌های مصرف، اجرای این طرح وارد مرحله عملیاتی شده‌است. این سامانه قرار است مصرف انرژی دستگاه‌ها را با ۹۰۰شاخص مختلف بررسی کند. نوع ساختمان، تجهیزات مورد استفاده، میزان مصرف برق، الگوی استفاده از سامانه‌های سرمایشی و گرمایشی و شاخص‌های مرتبط با بهره‌وری از جمله اطلاعاتی است که در فرایند ارزیابی مورد توجه قرار می‌گیرد. هدف اصلی، شناسایی نقاط پر مصرف و ارائه راهکار برای اصلاح عملکرد مجموعه‌هایی است که فاصله بیشتری با الگوی مطلوب مصرف دارند.

مدیریت مصرف انرژی تاکنون بیشتر در زمان افزایش فشار بر شبکه برق و هنگام رسیدن مصرف به مرزهای بالا مورد توجه قرار می‌گرفت، اما اکنون سیاست‌گذاری در این حوزه به سمت پایش مستمر و تصمیم‌گیری مبتنی بر اطلاعات حرکت کرده‌است. براساس این مدل، پیش از آنکه محدودیت‌های مصرف اعمال شود، میزان استفاده از انرژی در بخش‌های مختلف بررسی و امکان اصلاح رفتار مصرفی فراهم می‌شود.

■ **دولت از ساختمان‌های خود آغاز می‌کند**

اجرای آزمایشی سامانه در ۱۱ ساختمان دستگاه‌های اجرایی آغاز خواهد شد. انتخاب بخش دولتی برای شروع این طرح با هدف اصلاح الگوی مصرف در مجموعه‌هایی

اقتصاد

سرویس اقتصادی۹۰۶۰۸۵۲۳

گزارش یک

زینعب‌زریون

پس از ۱۶سال انتظار، سامانه ملی پایش مصرف انرژی در آستانه رونمایی قرار گرفت

برق زیر نور سامانه هوشمند

سامانه جدید پایش مصرف انرژی با رد ۹۰۰شاخص، مصرف انرژی دستگاه‌های اجرایی را ارزیابی می‌کند و قرار است مدیریت مصرف را از دولت آغاز کند



انرژی با خطا همراه می‌شود و اقدامات اصلاحی اثربخشی لازم را نخواهد داشت.

■ **از کنترل مصرف تا تغییر الگوی انرژی**

یکی از چالش‌های اصلی در حوزه انرژی، فاصله میان شناخت مسئله و اجرای راهکار است. سال‌ها درباره ضرورت کاهش مصرف و افزایش بهره‌وری سخن گفته شده اما نبود نظام جامع پایش باعث شده بسیاری از برنامه‌ها با اطلاعات محدود اجرا شوند. سامانه جدید قرار است این فاصله را کاهش دهد و امکان مشاهده دقیق وضعیت مصرف را در اختیار مدیران قرار دهد. البته راه‌اندازی سامانه به تنهایی پایان مسیر نیست و اثرگذاری آن به میزان استفاده از اطلاعات ثبت‌شده، همکاری دستگاه‌ها و اجرای تصمیم‌های اصلاحی وابسته‌است. اگر داده‌های جمع‌آوری‌شده فقط در سطح گزارش باقی بماند، تغییر محسوسی در الگوی مصرف ایجاد نخواهد شد. استفاده مدیریتی از این اطلاعات و الزام دستگاه‌ها به اصلاح عملکرد، بخش اصلی موفقیت

روزهای اخیر، رشد استفاده از وسایل سرمایشی رایج دنبال داشته و مصرف برق در ساعات اوج به سطح بالایی رسیده‌است. ادامه این روند، فشار بیشتری بر بخش تولید و توزیع وارد می‌کند و ضرورت کنترل مصرف در همه بخش‌ها، از دستگاه‌های اجرایی تا مشترکان خانگی و صنعتی را افزایش می‌دهد. مسئولان صنعت برق اعلام کرده‌اند در هفته‌های پیش‌رو احتمال اعمال محدودیت‌های مقطعی در تأمین برق وجود دارد. این محدودیت‌ها بیشتر به دلیل مصرف به عنوان راهکار یا سریع‌تر و کم‌هزینه‌تر برای کاهش فشار بر شبکه‌مورد توجه قرار گرفته‌است. سامانه پایش مصرف انرژی قرار است اطلاعات لازم برای اجرای همین سیاست را فراهم کند. وقتی میزان مصرف هر دستگاه به صورت دقیق مشخص‌شده، امکان برنامه‌ریزی برای اصلاح الگو، تعیین اولویت‌ها و ارزیابی عملکرد فراهم خواهد شد. بدون داده‌های دقیق، تصمیم‌گیری در حوزه

انجام می‌شود که مدیریت مستقیم آنها در اختیار دولت قرار دارد. ساختمان‌های اداری به دلیل ساعات فعالیت طولانی، استفاده گسترده از تجهیزات سرمایشی و گرمایشی و حجم بالای مصرف، ظرفیت مناسبی برای اجرای برنامه‌های بهینه‌سازی دارند. کاهش مصرف در ساختمان‌های دولتی علاوه بر کاهش هزینه‌های عمومی، می‌تواند الگویی برای سایر بخش‌ها ایجاد کند. بسیاری از ساختمان‌های کشور با تجهیزات قدیمی و سامانه‌های کم‌بازده فعالیت می‌کنند و بخش قابل توجهی از انرژی مصرفی آنها به دلیل نبود مدیریت مناسب یا فرسودگی تجهیزات هدر می‌رود. اصلاح تنظیمات سیستم‌های سرمایشی، استفاده صحیح از تجهیزات، کنترل روشنایی و بهبود عایق‌بندی ساختمان‌ها از جمله اقدام‌هایی است که بدون نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین، امکان کاهش مصرف را فراهم می‌کند. مدیریت انرژی، البته فقط به میزان تولید برق محدود نیست و نحوه مصرف نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در تعادل شبکه دارد. افزایش دمای هوادر

برندگان و بازندگان تغییر سهم دولت در آبیاری نوین

کاهش سهم حمایت دولتی از ۸۵ به ۵۰درصد، مسیر اجرای سامانه‌های نوین آبیاری را برای کشاورزان بزرگ و خرده‌مالکان متفاوت می‌کند

طوری که کشاورز دارای منابع مالی گسترده با دست می‌آورد و تأمین سرمایه اولیه برای اجرای پروژه‌های زیرساختی، فشار قابل توجهی بر منابع مالی آنها وارد می‌کند. به همین دلیل، کاهش سهم دولت برای این گروه نیازمند پیش‌بینی حمایت‌های مکمل مانند تسهیلات کم‌بهره یا سازوکارهای تأمین آورده‌است. یکی از چالش‌های مهم در اجرای این طرح‌ها، نحوه پرداخت اعتبارات دولتی است به گونه‌ای که بخشی از منابع اختصاص یافته در سال‌های اخیر از طریق اسناد خزانه اسلامی با سررسید چندساله پرداخت شده‌است. این شیوه پرداخت، برای کشاورزانی که نیازمند تأمین سریع هزینه تجهیزات و اجرای پروژه هستند، مشکلات بیشتری ایجاد می‌کند زیرا فاصله زمانی میان خرید تجهیزات، اجرای عملیات و دریافت منابع حمایتی افزایش پیدا می‌کند.

■ **سیاست حمایتی جدید و ضرورت هدفمند شدن منابع**

بازنگری در سهم دولت از هزینه اجرای سامانه‌های نوین آبیاری پس از چند دهه حمایت گسترده انجام شده‌است. در دهه ۷۰، حمایت‌ها بیشتر در قالب تسهیلات کم‌بهره ارائه می‌شد و از دهه ۸۰، پرداخت کمک‌های بلاعوض با سهم ۵۸درصدی دولت به سیاست اصلی تبدیل شد. اکنون تغییر این سهم، مشارکت بیشتر بهره‌برداران را به عنوان یک هدف دیال می‌کند. با وجود این، یکسان در نظر گرفتن سهم مشارکت برای همه کشاورزان، تفاوت‌های اقتصادی میان بهره‌برداران را نادیده می‌گیرد. به



به تجهیزات مورد نیاز می‌شود. افزایش قیمت لواها و تجهیزات آبیاری در سال جاری، فشار مالی اجرای این طرح‌ها را افزایش داده‌است. کشاورزانی که سطح زیر کشت بیشتری دارند، معمولاً امکان استفاده از منابع مالی شخصی، تسهیلات بانکی یا در آمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی دیگر را دارند. برای این گروه، سرمایه‌گذاری در آبیاری

نوین علاوه بر کاهش مصرف آب، در بلندمدت کاهش هزینه‌های تولید و مدیریت بهتر منابع را به همراه دارد. اما برای کشاورزانی که چند هکتار زمین کوچک در اختیار دارند، تأمین نیمه از هزینه اجرای طرح ساده نیست. بسیاری از این بهره‌برداران

دارند، بخشی از این زمین‌ها در اختیار مالکان بزرگ قرار دارد که امکان تأمین هزینه‌های سرمایه‌گذاری خود را دارند، اما بخش دیگری متعلق به کشاورزان خرد است که هزینه اولیه اجرای طرح برای آنها یکی از مهم‌ترین موانع محسوب می‌شود.

■ **فاصله توان مالی کشاورزان در اجرای طرح‌های آبیاری**

تفاوت میان کشاورزان بزرگ و خرده‌مالکان، در مرحله تأمین آورده مالی بیشتر رخ‌نمایی می‌کند. اجرای یک سامانه آبیاری نوین نیازمند خرید تجهیزات، لوله‌گذاری، نصب و اجرای عملیات فنی است و بخش قابل توجهی از هزینه‌ها مربوط

به دولت برای حفظ ظرفیت تولید داخلی و کاهش آسیب‌پذیری کشور

در حوزه غذا پرداخت می‌کند.

در این میان، خرید تضمینی یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست‌گذاری کشاورزی است و وقتی می‌تواند اهداف خود را محقق کند که دو عنصر اساسی، یعنی قیمت‌گذاری منطقی و پرداخت منظم، مطالبات را به همراه داشته باشد. بنابراین، تعیین قیمت خرید تضمینی متناسب با هزینه‌های تولید، اقدامی ضروری برای حفظ انگیزه تولیدکننده‌است. اما اگر پرداخت وجه محصول با تأخیر همراه شود، بخش مهمی از اثر

حمایتی این سیاست از بین می‌رود.

گندم‌کار همچنین برای آغاز یک دوره تولید جدید، نیازمند نقدینگی است و فاصله میان تحویل محصول و دریافت وجه آن می‌تواند نفل مالی کشاورز را برای خرید نهاده، آماده‌سازی زمین و برنامه‌ریزی فصل بعد کاهش دهد. در واقع، تأخیر در پرداخت مطالبات بر چرخه تولید اثر مستقیم دارد و هرچه این فاصله بیشتر شود، ریسک اقتصادی تولید افزایش و انگیزه ادامه فعالیت در برخی مناطق کاهش می‌یابد.



سامانه ملی پایش مصرف انرژی پس از ۱۶سال تأخیر، قرار است مصرف دستگاه‌های اجرایی را با ۹۰۰شاخص بررسی کند و با هدف شناسایی پرمصرف‌ها، اصلاح الگوی مصرف و حرکت به سمت مدیریت هوشمند انرژی از ساختمان‌های دولتی آغاز می‌شود و در ادامه به بخش خصوصی و ساختمان‌های مسکونی گسترش خواهد یافت

این طرح خواهد بود. موضوع دیگری که در مدیریت انرژی اهمیت دارد، تأمین منابع مالی برای اصلاح زیرساخت‌هاست. چراکه بسیاری از راهکارهای کاهش مصرف نیازمند نوسازی تجهیزات، بهبود سیستم‌های کنترلی و ارتقای بهره‌وری ساختمان‌ها هستند. این اقدامات هزینه اولیه دارند، اما کاهش مصرف انرژی در بلندمدت، هزینه‌های جاری را کاهش می‌دهد و فشار حوزه ظرفیت گسترده‌ای دارد. شرکت‌های فعال در زمینه تجهیزات هوشمند، بهینه‌سازی ساختمان و خدمات انرژی می‌توانند در اجرای برنامه‌های کاهش مصرف نقش داشته باشند. توسعه همکاری میان دولت و فعالان این بخش، مسیر استفاده از فناوری‌های جدید را هموارتر خواهد کرد. مدیریت مصرف انرژی اکنون به یکی از مسائل مهم دولت تبدیل شده‌است. افزایش تقاضا، محدودیت منابع و هزینه بالای توسعه زیرساخت‌های جدید، ضرورت استفاده بهینه از انرژی موجود را افزایش داده‌است. لکن سامانه ملی پایش مصرف انرژی در صورت اجرای دقیق، نخستین گام برای عبور از مدیریت سنتی و حرکت به سمت تصمیم‌گیری مبتنی بر داده خواهد بود. تأمین برق پایدار فقط با افزایش ظرفیت تولید دنبال نمی‌شود و کاهش هدررفت اصلاح رفتار مصرفی و افزایش بهره‌وری نیز بخش مهمی از این مسیر است. روشن شدن چرخه سامانه هوشمند زمانی ارزش واقعی خود را نشان خواهد داد که اطلاعات آن به تصمیم‌های عملی تبدیل شود و مدیریت انرژی از مرحله توصیه به مرحله اجرا برسد.

به گندمکاران از یک رابطه خرید و فروش کوتاه‌مدت فراتر رود و تولیدکننده‌ای که در دوره‌های دشوار اقتصادی همچنان به تولید ادامه می‌دهد، در واقع بخشی از بار سیاست امنیت غذایی کشور را به دوش می‌کشد. لکن پاسخ مناسب به این امرهای، صرفاً افزایش قیمت خرید نیست، بلکه ایجاد یک نظام حمایتی منظم و قابل اتکاست.

در مجموع، گندمکاران در جنگ اقتصادی تحمیلی از سوی رژیم درپس‌نشین امریکا سنگ تمام گذاشتند و نشان دادند ظرفیت بالایی برای حفظ تولید دارند. بنابراین، اکنون مسئولیت دولت این است که با تسریع در پرداخت مطالبات، اصلاح فرایندهای مالی و پایبندی به وعده‌ها، این اعتماد را تقویت کند و طبعاً استمرار تولید گندم نیازمند رابطه‌ای پایدار میان سیاست‌گذار و کشاورز است که بر پایه پیش‌بینی پذیری، تعهد و احترام به نقش تولیدکننده شکل می‌گیرد. بدیهی‌است حفظ امنیت غذایی کشور از مزه آغاز می‌شود و نخستین شرط آن، حفظ انگیزه کسانی است که در این مزرعه تولید می‌کنند.